



۶ - ۳۴ ۳۲ ۳۲ (۰۷۱)
۱۴ ۴۰ ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)



شیراز / پارامونت / ابتدای
خیابان قصر دشت / کوچه ۱



www.fazel.ac.ir



fazelshiraz

وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

حقوق مدنی

دکتر لطفی

حقوق مدنی

اول- کلیات، اموال و مالکیت

هرگونه تکثیر، مطالعه و استفاده بدون اجازه کتبی از مؤسسه آموزش عالی فاضل به لحاظ قانونی و شرعی غیر مجاز بوده و موجب ضمان می گردد.

۱- عقد وقف در کدام یک از موارد زیر، باطل است؟

- ۱) وقف مالی که نسبت به آن، شخص دیگری حق ارتفاق دارد.
- ۲) وقفی که به موجب اراده واقف، متضمن پرداخت نفقه زوجه او از منافع موقوفه است.
- ۳) وقف مالی که در اجاره شخص دیگری است.
- ۴) وقف مالی که میان واقف و موقوف علیه، مشاع است.

۲- در وقف بر مصالح عامه، اگر واقف تولیت را برای خودش قرار داده باشد: [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- ۱) قبض متولی صحیح است و قبض واقف نیز کفایت می کند.
- ۲) در حالتی که منافع ملک موقتاً متعلق به دیگری بوده باشد هم وقف صحیح است.
- ۳) اگر خود واقف مصداق موقوف علیهم واقع شود، می تواند منتفع گردد.
- ۴) همه گزینه ها صحیح است.

۳- اگر مالک برای حق انتفاع مدتی تعیین ننموده باشد:

- ۱) حق انتفاع با تلف شدن مال موضوع انتفاع از بین می رود.
- ۲) انتقال عین موضوع انتفاع به غیر، موجب بطلان حق انتفاع می شود.
- ۳) حق انتفاع با فوت هیچ یک از طرفین عقد موجد حق انتفاع، از بین نمی رود.
- ۴) مخارج لازمه برای نگهداری مال موضوع انتفاع برعهده منتفع است.

۴- واگذاری حق انتفاع اموال، وقف و اجاره اموال به ترتیب در کدام یک از اموال صورت می گیرد؟

- ۱) در اموال غیرمنقول مفروز و مشاع / در اموال غیرمنقول مفروز و مشاع / در اموال منقول و غیرمنقول مفروز
- ۲) هر سه در اموال منقول و غیرمنقول اعم از مشاع یا مفروز
- ۳) دو مورد اول در اموال منقول یا غیرمنقول اعم از مشاع یا مفروز و مورد سوم در اموال منقول یا غیرمنقول مفروز
- ۴) مورد اول در اموال منقول یا غیرمنقول مشاع یا مفروز و مورد های دوم و سوم در اموال منقول یا غیرمنقول مفروز

۵- در مورد حق انتفاع کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) در برخی اقسام حبس، قبض شرط صحت است.
- ۲) منتفع باید از مال موضوع حبس سوءاستفاده و تفریط نکند و گرنه حق او زایل می شود.
- ۳) انتقال عین موضوع حق انتفاع امکان پذیر بوده و منتقل الیه حق فسخ عقد موجد حق انتفاع را دارد.
- ۴) حق انتفاع برای معدوم به تبع موجود و نسبت به مال مشاع می تواند ایجاد شود همانند وقف.

۶- درباره «حق دینی» کدام مورد صحیح است؟

- ۱) موضوع حق می تواند یک شیء مادی باشد.
- ۲) اسباب ایجاد حق، محدود به موارد خاص است.
- ۳) متضمن حق تقدم برای دارنده آن است.
- ۴) در برابر همه قابل استناد است.

۷- کدام مورد مصداق غیرمنقول تبعی است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- ۱) دعاوی که موضوع آن حق غیرمنقول است.
- ۲) خسارت وارد بر املاک و نیز اجرت المثل املاک
- ۳) تعهد به تسلیم ملک
- ۴) همه گزینه ها صحیح می باشند.

۸- شخصی به ادعای این که سابقاً کالایی را خریده است، مدعی مالکیت آن شده و استرداد آن را از متصرف فعلی درخواست می کند. کدام مورد صحیح است؟

- (۱) پس از اقرار متصرف به مالکیت سابق مدعی، متصرف در مقام منکر و مقرر له در مقام مدعی قرار می گیرد.
- (۲) با ارائه سند عادی خرید، بیع به عنوان سبب مملک، ثابت و به نفع دارنده سند، حکم می شود.
- (۳) اثبات مالکیت سابق مدعی، به موجب اقرار متصرف، مانع استناد به اماره تصرف است.
- (۴) اثبات مالکیت سابق، با هر یک از ادله اثبات دعوی، مانع استناد به اماره تصرف نیست.

۹- انتقال ملک توسط صاحب حق ارتفاق از طریق عقد بیع:

- (۱) به شرط تصریح به عدم انتقال حق ارتفاق به خریدار، این حق را برای بایع محفوظ می دارد.
- (۲) حق ارتفاق را زایل نمی کند بر خلاف حالت تقسیم ملک میان شرکای دارای حق ارتفاق.
- (۳) حق ارتفاق را زایل نمی کند بر خلاف تصرفات مالک ملک مورد حق ارتفاق، که می تواند موجب زوال این حق شود.
- (۴) اصولاً موجب زوال حق نمی شود به مانند حالت تقسیم ملک میان شرکای دارای حق ارتفاق.

۱۰- در خصوص تولیت و متولی موقوفات، کدام گزینه صحیح است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) اصل بر عدم قابلیت تفویض بوده و اصل بر جواز توکیل نیست.
- (۲) تولیت تحت هیچ شرایطی قابل تفویض و واگذاری نیست.
- (۳) هرگاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوطه به موقوفه وکیلی انتخاب کند وکیل مزبور باید توانایی انجام مورد وکالت را داشته باشد خواه شرط مباشرت متولی شده یا نشده باشد.
- (۴) اگر شرط مباشرت متولی نشده باشد وی حق توکیل دارد، ولی اصل بر عدم جواز تفویض است.

۱۱- علی حق ارتفاق از ملک خود را به زهرا واگذار نموده و سپس آن را به مدت یک سال به حسین اجاره می دهد. اگر علی در صدد وقف این ملک به سعیده برآید در این حالت:

- (۱) در حالتی که این وقف به انگیزه فرار از ادای دین انجام شود، نیز صحیح است.
- (۲) وقف این ملک امکان پذیر است.
- (۳) تنها اگر موقوف علیهم را حسین و نسل های بعد او قرار دهد، چنین وقفی صحیح است.
- (۴) تنها اگر موقوف علیهم را زهرا و نسل های بعد او قرار دهد، چنین وقفی صحیح است.

۱۲- تصرفات صاحب ملک آنجا که موجب زیان صاحب ملک مجاور گردد، در چه صورت مجاز است؟

- (۱) هرگاه به مقدار متعارف باشد، هرچند برای رفع حاجت انجام نشود.
- (۲) آنجا که برای رفع حاجت یا رفع ضرر از متصرف صورت گیرد.
- (۳) هرگاه برای رفع ضرر از متصرف و به مقدار متعارف انجام شود.
- (۴) چنانچه به مقدار متعارف انجام شود، اگرچه برای رفع ضرر از متصرف هم نباشد.

۱۳- حق انتفاع بر معدوم و وقف بر معدوم به ترتیب چه حکمی دارند؟

- (۱) هر دو در حالتی که به تبع موجود واقع شوند، صحیح می باشند.
- (۲) هر دو باطل هستند.
- (۳) اولی باطل و دومی اگر به تبع موجود واقع شود، صحیح است.
- (۴) اولی اگر به تبع موجود واقع شود، صحیح بوده و دومی باطل است.

۱۴- کدام مورد، مصداق منقول محسوب می شود؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) دعوی مطالبه اجرت المثل هر نوع مال
- (۲) مطلق اشجار و شاخه های آن
- (۳) ثمره و حاصل
- (۴) مال الاجاره ملک استیجاری

۱۵- کدام یک از موارد زیر، موجب زوال حق انتفاع است؟

- (۱) در صورت انتقال حق انتفاع، بدون اذن مالک
- (۲) در صورت فوت مالک، اگر برای حق انتفاع، مدتی معین نشده باشد.
- (۳) در صورت تعدی و تفریط منتفع که موجب ضرر فاحش شود.
- (۴) در صورت انتقال ملک به غیر، بدون اذن منتفع

۱۶- تصرف متصرف فعلی به عنوان مالکیت منافع در چه حالت دلیلی بر مالکیت ذو الید، محسوب نمی شود؟

- (۱) آنجا که مالکیت سابق مدعی (غیر متصرف) از راه شهادت شهود، اثبات شود.
- (۲) جایی که مالکیت سابق مدعی (غیر متصرف) از راه اقرار متصرف، احراز شود.
- (۳) در حالتی که احراز نشود که تصرف وی ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی بوده است.
- (۴) در حالتی که تصرف وی بالمباشره نبوده و به توسط نمایندگان او صورت گرفته باشد.

۱۷- در وقف بر اولاد و وقف ملکی جهت بیمارستان، به ترتیب احکام قبول وقف و قبض عین موقوفه چیست؟

- (۱) قبول طبقه اول موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آن ها و قبض طبقه اول موقوف علیهم / قبول حاکم و قبض متولی وقف در همه موارد.
- (۲) قبول طبقه اول موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آن ها و قبض طبقه اول موقوف علیهم / قبول حاکم و قبض وی در همه موارد.
- (۳) قبول طبقه اول موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آن ها و قبض ایشان / قبول حاکم یا متولی وقف و قبض وی.
- (۴) قبول طبقه اول موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آن ها و قبض طبقه اول موقوف علیهم / قبول حاکم و قبض متولی یا حاکم حسب مورد.

۱۸- عقد وقف نسبت به کدام مال برقرار می شود؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) مالی که منافع آن دائماً متعلق به غیر است خواه مشاع باشد یا مفروز و منقول یا غیر منقول
- (۲) مالی که حق الارتفاق آن متعلق به دیگری است و صرفاً مفروز بوده خواه منقول یا غیر منقول
- (۳) عینی که قبض و اقباض آن توسط موقوف علیه امکان پذیر باشد خواه مشاع یا مفروز باشد نه دین و منفعت.
- (۴) مطلق اموال اعم از عین یا منفعت خواه مشاع یا مفروز و منقول یا غیر منقول.

۱۹- حسین به ادعای اینکه سابقاً زمینی را خریده است مدعی مالکیت آن شده و استرداد آن را از متصرف (جواد) درخواست می کند. کدام مورد صحیح است؟

- (۱) پس از اقرار جواد به مالکیت سابق حسین، جواد در مقام منکر و حسین در مقام مدعی قرار می گیرد.
- (۲) با ارائه سند عادی خرید، بیع به عنوان سبب مملک، ثابت و به نفع دارنده سند، حکم می شود.
- (۳) اثبات مالکیت سابق حسین به موجب اقرار جواد، مانع استناد جواد به اماره تصرف است.
- (۴) اثبات مالکیت سابق حسین با هر یک از ادله اثبات دعوی، مانع استناد به اماره تصرف نیست.

۲۰- حسین متصرف اتومبیلی است. در کدام مورد، تصرف وی به عنوان دلیل حقانیت او محسوب نمی شود؟

- (۱) تعارض تصرف وی در مقابل ادعای مالکیت عمومی و یا تعارض تصرف وی در برابر ادعای وقفیت سابق
- (۲) تعارض تصرف وی در برابر شهادت شهود بر مالکیت فعلی و یا تعارض تصرف وی در برابر اقرار او به مالکیت سابق مدعی مالکیت فعلی.
- (۳) تعارض تصرف وی در مقابل اماره قضایی بر مالکیت فعلی.
- (۴) در گزینه های «۲» و «۳» تصرف حسین دلیل حقانیت ایشان نمی باشد.

۲۱- در خصوص اختلاف زوجین در اثاث خانه: [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) اصولاً آنچه را از اثاثیه خانه که عرفاً و عادتاً اختصاص به زن تعلق دارد متعلق به او محسوب می شود.
- (۲) برای تشخیص مالک اثاث، باید به عرف و عادت رجوع کرد.
- (۳) هر یک مالک نصف اثاث خانه هستند.
- (۴) قول زوج مقدم است مگر اینکه زوجه مالکیت خود بر اثاث خانه را اثبات کند.

۲۲- کدام گزینه در خصوص حق انتفاع صحیح است؟

- (۱) موضوع حق انتفاع می تواند مال مصرف شدنی و یا مصرف نشدنی باشد.
- (۲) موضوع حق انتفاع ممکن است مال معین باشد اما نمی تواند مجموع دارایی مالک یا بخشی از آن باشد.
- (۳) حق انتفاع تنها نسبت به اموال مصرف نشدنی امکان پذیر است و چنانچه موضوع آن مال مصرف شدنی باشد رابطه طرفین مشمول احکام تملیک عین و منفعت یا اباحه انتفاع است.
- (۴) ایجاد حق انتفاع برای معدوم امکان پذیر نیست به مانند وصیت به نفع معدوم.

۲۳- اگر سعید حق انتفاع از اتومبیل خود را به پARMIDA واگذار کند و سپس بدون اطلاع او، آن را به میترا بفروشد، در این حالت:

- (۱) معامله صحیح بوده و پARMIDA می تواند عوض منافع را از سعید مطالبه کند.
- (۲) میترا در صورتی می تواند از منافع اتومبیل بهره برداری کند که عقد موجد حق انتفاع، فسخ شود.
- (۳) میترا می تواند از منافع اتومبیل بهره برداری کند.
- (۴) معامله صحیح است و پARMIDA در صورتی مجاز به استفاده از مال است که میترا رضایت دهد.

۲۴- حق انتفاع در چه مواردی زایل می شود؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) در صورت انقضای مدت یا تلف شدن مال موضوع حق انتفاع مگر اینکه آن مال مثلی باشد و مثل آن داده شده باشد.
- (۲) انتقال عین از مالک به منتفع یا واگذاری حق انتفاع از منتفع به مالک
- (۳) رجوع مالک یا مرگ آن در حبس مطلق یا حجر مالک یا منتفع
- (۴) در صورت تعدی یا تفریط منتفع در مال موضوع حق انتفاع

۲۵- در عقود عینی، اگر بعد از ایجاب و قبول و قبل از قبض، یکی از طرفین بمیرد یا محجور شود عقد چه وضعیتی می یابد؟

- (۱) عقد باطل می شود مگر در هبه
- (۲) عقد باطل نشده و عمل قبض توسط وارث متوفی یا ولی محجور، انجام می شود.
- (۳) عقد باطل می شود مگر در هبه که حجر متهب، موجب می شود که قبض مال موهوب توسط ولی او انجام شود.
- (۴) عقد باطل می شود.

۲۶- کدام گزینه نادرست است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) تعهد به وقف نمودن ملک معینی، اماره بر وقفیت آن است.
- (۲) در موضوع اختلاف در ملکیت و وقفیت اصل بر وقفیت بوده و مدعی ملکیت باید خلافت را ثابت بکند.
- (۳) وقف بر غیر محصور به مانند وصیت بر محصور، نیاز به قبول دارد.
- (۴) همه موارد.

۲۷- در «وقف بر مصالح عامه» و «وصیت بر امور عام المنفعه»، به ترتیب قبول چه وضعیتی دارد؟

- (۱) قبول شرط نیست / قبول شرط نیست.
- (۲) قبول حاکم شرط است. / قبول شرط نیست.
- (۳) قبول شرط نیست / قبول حاکم شرط است.
- (۴) قبول حاکم شرط است / قبول حاکم شرط است.

۲۸- شرط صرف $\frac{1}{3}$ از منافع موقوفه در راستای بدهی های واقف چه حکمی دارد؟

- (۱) شرط باطل است ولی عقد وقف صحیح است.
- (۲) شرط باطل و مبطل عقد وقف است.
- (۳) شرط صحیح است.
- (۴) شرط باطل است و وقف فقط در همین بخش تعیین شده به وسیله شرط، باطل است.

۲۹- متولی وقف با ملاحظه صرفه موقوفه مجاز به انجام کدام امر زیر است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) می تواند با دیگری شریک و به نحو اجتماع موقوفه را اداره نمایند.
- (۲) می تواند موقوفه را فروخته و تبدیل به احسن نماید.
- (۳) می تواند با دیگری قرارداد اجاره منعقد و موقوفه را اجاره دهد.
- (۴) تولیت را به دیگری تفویض کند یا اجرت خود را مقدم بر مخارج بقای موقوفه، بردارد.

۳۰- در خصوص متولی، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) تولیت اصولاً امری قابل توکیل است.
- (۲) متولی در حکم وکیل واقف است، نه وقف.
- (۳) متولی می تواند نسبت به موقوفه برای زمان تصدی خود و پس از آن تعهد کند.
- (۴) اجازه واقف به شخص متولی، در مصرف نمودن قسمتی از منافع به نظر خود، در امور خیریه به هر نحو که صلاح بداند، مجوز واگذاری مصرف منافع از طرف متولی به غیر است.



وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

پاسخنامه

- ۱- **گزینه ۲ صحیح است.** با استناد به ماده ۷۲ ق.م و ر.ک به حاشیه ۲ ماده ۷۳ در کتاب قانون مدنی در کتاب نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان
- ۲- **گزینه ۴ صحیح است.** درستی گزینه «۱» با استناد به مواد ۶۲ و ۶۳ ق.م و صحت گزینه «۲» با استناد به ماده ۶۴ ق.م و صحیح بودن گزینه «۳» با استناد به ماده ۷۴ ق.م معلوم می شود. ماده ۶۲ ق.م: «در صورتی که موقوف علیهم محصور باشند خود آن ها قبض می کنند و قبض طبقه اولی کافی است و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد، متولی وقف و الا حاکم قبض می کند.» ماده ۶۳ ق.م: «ولی و وصی محجورین از جانب آن ها موقوفه را قبض می کنند و اگر خود واقف تولیت را برای خود قرار داده باشد، قبض خود او کفایت می کند.» ماده ۶۴ ق.م: «مالی را که منافع آن موقتاً متعلق به دیگری است می توان وقف نمود و همچنین وقف ملکی که در آن حق ارتفاق موجود است جائز است بدون اینکه به حق مزبور خللی وارد آید.» ماده ۷۴ ق.م: «در وقف بر مصالح عامه اگر خود واقف نیز مصداق موقوف علیهم واقع شود می تواند منتفع گردد.»
- ۳- **گزینه ۱ صحیح است.** درستی گزینه «۱» با استناد به بند ۲ ماده ۵۱ ق.م و نادرستی گزینه های «۲»، «۳» و «۴» به ترتیب با استناد به مواد ۵۳، ۴۴ و ۴۹ ق.م مشخص می شود. ماده ۵۱ ق.م: «حق انتفاع در موارد ذیل زایل می شود: ۱- در صورت انقضاء مدت ۲- در صورت تلف شدن مالی که موضوع انتفاع است.» ماده ۵۳ ق.م: «انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی شود ولی اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت.» ماده ۴۴ ق.م: «در صورتی که مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود مگر اینکه مالک قبل از فوت خود رجوع کند.» ماده ۴۹ ق.م: «مخارج لازمه برای نگهداری مالی که موضوع انتفاع است بر عهده منتفع نیست مگر این که خلاف آن شرط شده باشد.»
- ۴- **گزینه ۲ صحیح است.** ر.ک به مواد ۴۶، ۵۸ و ۴۷۵ ق.م و اطلاق لفظ مال در این ماده از حیث منقول یا غیرمنقول بودن و مفهوم موافق ماده ۴۷۵ ق.م به این بیان که وقتی اجازه مال مشاع جایز است اجازه مال مفروز به طریق اولی جایز است.
- ۵- **گزینه ۴ صحیح است.** با استناد به مواد ۴۵ و ۴۶ ق.م در مورد حق انتفاع و مواد ۵۸ و ۶۹ ق.م در مورد وقف. نادرستی گزینه «۱» به دلیل کلمه «برخی» و مخالفت با ماده ۴۷ ق.م است. صحیح نبودن گزینه «۲» به دلیل مخالفت با ماده ۴۸ ق.م و نیز این است که با سوءاستفاده یا تعدی یا تفریط منتفع، ید او به موجب ماده ۵۲ ق.م از امانی به ضمانی مبدل می شود اما چنین امری از اسباب زوال حق انتفاع، مذکور در مواد ۵۱ (و حواشی ۱ و ۲ این ماده و حاشیه ۱ ماده ۵۳ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان) و ۴۴ ق.م نمی باشد. نادرستی گزینه «۳» به دلیل مخالفت با ماده ۵۳ ق.م است. زیرا منتقل الیه نمی تواند عقد موجد حق انتفاع را فسخ کند و فقط در صورت جهل به وجود حق انتفاع در مال موضوع معامله، حق فسخ معامله انجام شده را دارد.
- ۶- **گزینه ۱ صحیح است.**
- ۷- **گزینه ۴ صحیح است.** با استناد به حواشی ۲ و ۴ ماده ۱۸ ق.م و حواشی ۲ و ۳ ماده ۲۰ ق.م در کتاب قانون مدنی در کتاب نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان. طبق حاشیه ۲ ماده ۱۸ ق.م دعوایی که موضوع آن حق غیرمنقول است به تابعیت از حق، غیرمنقول است، مانند دعای تصرف و خلع ید امانی و غاصبانه و اجبار فروشنده ملک بر تسلیم مبیع و دعای که موضوع آن تملک مال غیرمنقول است (دعای فسخ و بطلان و عدم نفوذ معامله انجام شده) و طبق حاشیه ۴ ماده ذکر شده دعای مربوط به اجرت المثل و خسارات وارد بر املاک، غیرمنقول است. مطابق حاشیه ۲ ماده ۲۰ ق.م تعهد یا دینی که موضوع آن به طور مستقیم مال غیرمنقول باشد (مانند تعهد به تسلیم ملک) به تابعیت از موضوع آن، غیرمنقول است. پس، در ماده ۲۰ فرض شده است که موضوع قرض و ثمن و مال الاجاره پول یا مال منقول دیگری است و به اطلاق آن نباید اعتماد کرد و مطابق حاشیه ۳ این ماده، اجرت المثل را نباید با مال الاجاره در این ماده قیاس کرد و در هر حال منقول شمرد. دعوای اجرت المثل املاک باید در محل وقوع ملک اقامه شود.
- ۸- **گزینه ۳ صحیح است.** با استناد به ماده ۳۷ ق.م. نظر مشهور و قانون مدنی بر آن است که در تعارض بین مالکیت سابق و تصرف فعلی، تصرف فعلی یک اماره بوده و بر مالکیت سابق مدعی ترجیح دارد و تنها با اقرار متصرف به مالکیت سابق مدعی، اماره تصرف از اعتبار ساقط شده و مالکیت سابق مدعی، استصحاب می شود. در واقع در این حالت انقلاب دعوی رخ می دهد یعنی متصرف (که منکر بود) جای خود را به مالک سابق (که مدعی بوده) می دهد و جای مدعی و منکر عوض شده و زین پس متصرف مدعی است و باید انتقال ملک به سبب ناقل صحیح به خود را اثبات نماید. البته مرحوم دکتر کاتوزیان معتقدند که مالکیت سابق مدعی با هر یک از ادله اثبات دعوی (حتی غیر از اقرار) اثبات شود همین است اما نظر مشهور ارجح است. ایراد گزینه «۱» برخلاف صحیح بودن آن است. ایراد گزینه «۲» آن است که سند عادی نیاز به احراز و تأیید دادگاه به موجب حکم دارد. ایراد گزینه «۴» آن است که با اقرار متصرف، اماره تصرف از اعتبار ساقط می شود. صحت گزینه «۳» با لحاظ ماده ۳۷ و توضیحات فوق معلوم می شود.
- ۹- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد ماده ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون مدنی. گزینه «۱» نادرست است، با توجه به حاشیه یک ماده ۱۰۲ کتاب نظم مرحوم استاد دکتر کاتوزیان. گزینه «۲» نادرست است زیرا در گزینه «۲» عبارت مطلقاً عنوان شده که ارتفاق را زایل نمی کند در حالی که می بایست عنوان شود اصولاً؛ زیرا یکی از استثنائات آن تصریح بر خلاف آن است (ماده ۱۰۲). قسمت ادامه هم برخلاف ماده ۱۰۳ است. گزینه «۳» نادرست است زیرا قسمت اول گزینه مانند گزینه «۲» می بایست از عبارت اصولاً استفاده شود و قسمت دوم هم برخلاف ماده ۱۰۶ می باشد.
- ۱۰- **گزینه ۴ صحیح است.** با توجه به ماده ۸۳ قانون مدنی، متولی نمی تواند تولیت را به دیگری تفویض کند مگر آن که واقف در ضمن وقف به او اذن داده باشد ولی اگر در ضمن وقف شرط مباشرت نشده باشد می تواند وکیل بگیرد پس در واقع در تولیت اصل بر عدم تفویض است مگر با اذن واقف و اصل بر توکیل است مگر اینکه شرط مباشرت متولی شده باشد، پس ایراد گزینه های ۱ و ۲ مشخص گردید. همچنین با توجه تبصره ۳ ماده ۴ قانون اوقاف: در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هر گاه متولی برای انجام تمام یا

قسمتی از امور مربوط به موقوفه وکیلی انتخاب کند وکیل مزبور باید توانایی انجام مورد وکالت را داشته باشد در صورتی که وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفاء وظایف محوله نباشد مراتب کتباً به متولی ابلاغ خواهد شد هر گاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان مقیم خارج از کشور، متولی، اقدام به تغییر وکیل ننماید موضوع به دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی وکیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می شود این حکم شامل وکلایی که قبلاً نیز انتخاب شده‌اند خواهد بود. لذا ایراد گزینه «۳» نیز مشخص گردید.

۱۱- **گزینه ۲ صحیح است.** با استناد به مواد ۶۴ و ۶۵ ق.م. همچنین ر.ک به حاشیه ۱ ماده ۶۵ در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان. لازم به ذکر است که دادن مالکیت منفعت به صورت موقت یا حق انتفاع یا حق ارتفاق از سوی مالک به دیگری هیچ مانعیتی در صحت وقف ایجاد نمی کند. اما دادن منفعت ملک به صورت دائم به دیگری، مانع صحت وقف است؛ زیرا وقف ملکی که منافع دائم آن به دیگری تعلق دارد (مسلوب المنفعه) صحیح نیست (ر.ک به حاشیه ۱ ماده ۶۴ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان).

۱۲- **گزینه ۳ صحیح است.** با استناد به ماده ۱۳۲ ق.م. لازم به ذکر است که برای جواز تصرف مالک در فرض سوال، دو شرط می بایست جمع باشد: به مقدار متعارف بودن تصرف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر بودن آن از مالک متصرف.

۱۳- **گزینه ۱ صحیح است.** با استناد به مواد ۴۵ حق انتفاع را فقط درباره شخص یا اشخاصی می توان برقرار کرد که در حین ایجاد حق مزبور وجود داشته باشند ولی ممکن است حق انتفاع تبعاً برای کسانی هم که در حین عقد به وجود نیامده‌اند برقرار شود و براساس ماده ۶۹ ق.م. وقف بر معدوم صحیح نیست مگر به تبع موجود.

۱۴- **گزینه ۴ صحیح است.** مستند درستی گزینه «۴» ماده ۲۰ ق.م و حاشیه ۳ آن ماده است، همچنین طبق حاشیه ۴ ماده ۱۸ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان، دعاوی مربوط به اجرت المثل و خسارات وارد بر املاک، غیر منقول است لذا گزینه «۱» که به صورت عام اجرت المثل هر نوع مال را منقول محسوب میدارد گزینه صحیحی نیست. و نیز مطابق ماده ۱۶ ق.م. مطلق اشجار و شاخه های آن مادام که بریده یا کنده نشده غیر منقول است و مطابق ماده ۱۵ همان قانون ثمره و حاصل مادام که چیده یا درو نشده باشد غیر منقول است.

۱۵- **گزینه ۲ صحیح است.** با استناد به ماده ۴۴ ق.م. گزینه «۱» با لحاظ حاشیه ۳ ماده ۵۱ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان نادرست است. گزینه «۴» با استناد به ماده ۵۳ ق.م نادرست است. در گزینه «۳»، تعدی و تفریط منتفع که موجب ضرر فاحش گردد بیان شده است. این امر با لحاظ ماده ۵۲ ق.م و مفهوم مخالف ماده ۵۰ ق.م موجب ضمانی شدن ید منتفع می گردد اما از اسباب زوال حق انتفاع (مذکور در مواد ۴۴، ۴۵ و ۵۱ ق.م) نمی باشد.

۱۶- **گزینه ۲ صحیح است.** جهت درستی گزینه «۲» ر.ک به ماده ۳۷ ق.م. همچنین با توجه به حواشی ۳ و ۹ ماده ۳۵ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان گزینه «۴» نادرست و مطابق با ماده ۳۶ ق.م و حاشیه ۱ آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان گزینه ۳ صحیح نمیباشد چرا که اصل بر آن است که تصرف متصرف فعلی مشروع است و مدعی مالکیت باید غیر مشروع بودن آن را ثابت نماید و در صورت عدم اثبات، اماره ی تصرف معتبر خواهد بود. لازم به ذکر است که گزینه «۱» طبق نظر مرحوم دکتر کاتوزیان (حاشیه ۱ ماده ۳۷ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان) صحیح می باشد و گزینه «۲» مطابق متن ماده ۳۷ ق.م و نظر مشهور فقها و علما صحیح است. طبیعتاً در یک سوال در حالت تعارض بین دو گزینه که یکی حاوی نظر مقنن و دیگری حاوی نظر اساتید است نظر قانونگذار ارجح است.

۱۷- **گزینه ۴ صحیح است.** ر.ک به مواد ۵۶ و ۶۲ ق.م.

۱۸- **گزینه ۳ صحیح است.** ر.ک به مواد ۶۷ و ۵۸ ق.م و حاشیه ۱ ماده ۵۸ و نیز ماده ۵۵ ق.م و حاشیه ۲ آن و ماده ۶۴ ق.م و حاشیه ۱ آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.

۱۹- **گزینه ۳ صحیح است.** ر.ک به ماده ۳۷ ق.م و حاشیه ۱ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.

۲۰- **گزینه ۴ صحیح است.** ر.ک به حاشیه ۳ از ماده ۲۵ ق.م حواشی ۵ و ۷ از ماده ۳۵ ق.م و حاشیه ۱ از ماده ۱۳۲۴ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان و نیز بندهای ۲۰۷ تا ۲۱۱ از کتاب اموال و مالکیت نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.

۲۱- **گزینه ۱ صحیح است.** ر.ک ماده ۵۶ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی و ماده ۶۳ قانون اجرای احکام مدنی و نیز ر.ک به حاشیه ۱۰ از ماده ۳۵ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.

۲۲- **گزینه ۳ صحیح است.** ر.ک به مواد ۴۶ (و حواشی ۱ و ۲ آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان) و ۴۵ و ۸۵ ق.م و حاشیه ۴ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان

۲۳- **گزینه ۲ صحیح است.** با استناد به ماده ۵۳ ق.م از آنجا که سعید، خود ملتزم به قرارداد واگذاری حق انتفاع است و میترا قائم مقام سعید است و اینکه بر اساس ماده ۲۱۹ ق.م قائم مقام، موظف به رعایت آثار قرارداد موجد حق انتفاع است لذا میترا نمی تواند از منافع که حق استفاده آن برای پارمیدا است بهره برداری نماید و باید حق پارمیدا را نسبت به استفاده از منافع مراعات نماید و در صورتی می تواند از منافع بهره برداری کند که عقد موجد حق انتفاع، فسخ شود.

۲۴- **گزینه ۲ صحیح است.** ر.ک به ماده ۵۱ ق.م و حاشیه ۱ ماده ۵۳ ق.م و ماده ۴۴ و حواشی آن و ماده ۵۲ ق.م. توجه شود که تعدی یا تفریط منتفع، ید او را ضمانی می نماید اما موجب زوال حق انتفاع نمی شود.

۲۵- **گزینه ۳ صحیح است.** ر.ک به حاشیه ۲ از ماده ۴۷ و حاشیه ۱ از ماده ۸۰۲ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان

- ۲۶- **گزینه ۴ صحیح است.** ر.ک به ماده ۵۶ ق.م و حواشی ۶ و ۷ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان و نیز ماده ۸۲۸ ق.م و حاشیه ۲ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.
- ۲۷- **گزینه ۲ صحیح است.** وصیت بر نامحصور ایقاع است. ر.ک به مواد ۵۶ و ۸۲۸ ق.م.
- ۲۸- **گزینه ۴ صحیح است.** ر.ک به ماده ۷۲ ق.م و حواشی ۳ و ۴ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان. شرط عوض در عقود رایگان اصولاً صحیح است بجز وقف که شرطی باطل است. این شرط اگر به موقوفه سرایت کند مانند آنچه در ماده ۷۲ ق.م آمده علاوه بر باطل بودن، مبطل نیز است. البته شرط صرف بخشی از منافع وقف برای اداری دیون واقف یا تأمین معیشت او موجب بطلان همین بخش از وقف می شود.
- ۲۹- **گزینه ۳ صحیح است.** ر.ک به مواد ۴۹۹، ۳۴۹، ۸۸ و ۸۹، ۸۶ ق.م و ۶ قانون اوقاف. حواشی ماده ۸۳ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان مطالعه شود.
- ۳۰- **گزینه ۱ صحیح است.** ر.ک به ماده ۸۳ ق.م. همچنین ر.ک به حاشیه ۱ ماده ۸۲ و حاشیه ۴ ماده ۸۳ و حاشیه ۳ ماده ۸۳ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.
- ۳۱- **گزینه ۴ صحیح است.** ر.ک به مواد ۷۱ ق.م و ۸ قانون اوقاف، مواد ۷۴، ۷۲ ق.م و ماده ۷۶ ق.م و حاشیه آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.
- ۳۲- **گزینه ۱ صحیح است.** ر.ک به ماده ۷۲ ق.م و حاشیه ۲ ماده ۷۳ ق.م و حاشیه ۳ و ۴ ماده ۷۱ ق.م و حاشیه ۳ ماده ۷۲ ق.م.
- ۳۳- **گزینه ۴ صحیح است.** ر.ک به حواشی ۲ و ۷ ماده ۵۶ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان و ماده ۶۴ ق.م و تبصره ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳. حالتی که نسل موقوف علیهم منقرض می شود درآمد موقوفه متعذرالمصرف می شود و با استناد به تبصره ماده ۸ قانون فوق الذکر، با تشخیص تحقیق اوقاف، در موارد اقرب به غرض واقف در محل به مصرف می رسد. لذا وقف در چنین حالتی باطل نمی شود.
- ۳۴- **گزینه ۱ صحیح است.** ر.ک به ماده ۷۱ ق.م و ماده ۸ قانون اوقاف. توجه کنیم که ماده ۸ قانون اوقاف در خصوص مصرف مجهول و نه موقوف علیهم مجهول سخن می گوید ولی ماده ۷۱ ق.م به صورت مطلق سخن می گوید و وقف بر مجهول را صحیح نمی داند. لذا اگر بحث از موقوف علیهم مجهول شد وقف باطل است خواه وقف عام یا خاص باشد ولی اگر بحث مجهول المصروف بودن منافع موقوفه شد به ماده ۸ قانون اوقاف استناد می کنیم.
- ۳۵- **گزینه ۱ صحیح است.** با استناد به ماده ۱۳۲ ق.م.
- ۳۶- **گزینه ۳ صحیح است.** با استناد به مواد ۱۸۹، ۶۹۹، ۱۰۶۸ و ۱۱۳۵ ق.م و حواشی آن ها در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان
- ۳۷- **گزینه ۱ صحیح است.** با استناد به مواد ۲۰۱ و ۲۰۳ ق.م. توجه شود که اصولاً اشتباه در شخص طرف معامله، به صحت معامله خللی وارد نمی کند مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد (ماده ۲۰۱ ق.م). همچنین اصولاً اکراه، معنوی بوده و موجب غیرنافذ شدن معامله می شود (ماده ۲۰۳ و بخش اول ماده ۱۰۷ ق.م)؛ اما استثنائاً اکراه، مادی بوده و موجب بطلان عقد می شود (بخش اخیر ماده ۱۰۷ ق.م). هرچند بحث تقسیم اکراه به مادی و معنوی، اصطلاحاتی است که توسط حقوقدانان بیان شده و دراین زمینه به ماده ۱۰۷ ق.م استناد می کنند. اما این تقسیم و استدلال آنان شامل اکراه در تمام معاملات و ایقاعات می شود. اکراه مادی موجب بطلان عمل حقوقی اعم از عقد و ایقاع می شود اما اکراه معنوی اصولاً موجب غیرنافذ شدن عمل حقوقی اعم از عقد و ایقاع است و استثنائاً ایقاعات طلاق، رجوع از طلاق، فسخ های فوری (فسخ نکاح) (ماده ۱۱۳۱ ق.م)، فسخ به دلیل خیار عیب (ماده ۴۳۵ ق.م)، خیار غبن (ماده ۴۲۰ ق.م)، خیار رویت و تخلف وصف (ماده ۴۱۵ ق.م) و خیار تدلیس (ماده ۴۴۰ ق.م) و اخذ به شفعه در حالت اکراه معنوی، باطل می گردند.
- ۳۸- **گزینه ۴ صحیح است.** اصولاً مُبرَها (وسایل ابراز اراده باطنی) یعنی لفظ، نوشته، اشاره و عمل، در عرض هم هستند و طرفین معامله می توانند هر وسیله ای را که خواستند برای ابراز اراده باطنی انتخاب می کنند مگر در نکاح (مواد ۱۰۶۲ و ۱۰۶۶ ق.م) و طلاق (ماده ۱۱۳۴ ق.م). نظر به عبارات فوق، باید گفت ماده ۱۹۲ ق.م مفهوم مخالف ندارد.
- ۳۹- **گزینه ۲ صحیح است.** با استناد به ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، انتقال مال به دیگری به هر نحو به وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات می شود و در صورتی که منتقل الیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد در حکم شریک جرم است. در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال گیرنده به عنوان جریمه اخذ و محکوم به از محل آن استیفاء خواهد شد. برای تحقق معامله به انگیزه فرار از ادای دین شرایطی توسط حقوقدانان بیان شده است: این شرایط عبارتند از:
- ۱- انجام معامله یا ایقاع ۲- قصد اضرار به بستانکاران ۳- ایجاد ضرر به حال بستانکار ۴- حال و مسلم و منجر بودن دین مسبوق بر معامله ۵- علم طرف معامله از انگیزه فرار از ادای دین. برای تحقق شرط سوم، طبق ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی لازم است «باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد». اساتید حقوق بیان کرده اند که این شرط زمانی محقق است که بدهکار در اثر معامله تهی دست شده باشد یا معامله، تهی دستی او را تشدید کرده باشد. در حالی که در فرض سوال، زوج اقدام به فروش ملک خود به قیمت واقعی نموده است. یعنی معامله موجب تهی دستی یا تشدید تهی دستی وی نشده و وضعیت مالی او همان است که قبل از معامله بوده است. از این رو شرط سوم معامله به انگیزه فرار از ادای دین رخ نداده و معامله ای اصولاً صحیح واقع شده است مگر اینکه یکی از ارکان معامله و شرایط اساسی صحت معاملات (ماده ۱۹۰ ق.م یا مواد دیگر بیانگر شرایط صحت معامله) مخدوش شده باشد. به همین

- دلیل است که گزینه «۲» بیان نموده معامله اصولاً صحیح است. زیرا استثنائاً به دلیل فقدان برخی شرایط صحت، ممکن است معامله صحیح نباشد.
- ۴۰- **گزینه ۴ صحیح است.** با استناد به ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ و با لحاظ نظرات حقوقدانان، معامله مذکور در سوال، بین طرفین آن صحیح بوده و در برابر طلبکاران، غیر قابل استناد بوده و طلبکاران می توانند تقاضای ابطال چنین معامله ای را بنمایند و مال مورد معامله را جهت وصول طلب خود توقیف کنند. گزینه های «۱» و «۳» با توجه به مطالب فوق، ناصحیح هستند. گزینه «۲» نادرست است. زیرا معامله صوری به دلیل فقدان قصد انشاء، باطل است خواه قصد فرار از دین محرز باشد یا نه.
- ۴۱- **گزینه ۲ صحیح است.** عقد عینی، عقدی سه رکنی است که ارکان آن عبارت است از: ایجاب، قبول و قبض. تحقق قبولی منوط به وجود ایجاب قبل از آن و بقای ایجاب است اما منوط به قبل از قبض بودن قبول نیست. لذا قبولی می تواند قبل یا بعد از قبض در عقود عینی واقع شود. از مطلب فوق فهمیده می شود که در صورت رد ایجاب، ایجاب باطل می گردد و دیگر موجود نیست تا مورد قبول قرار گیرد. از این رو گزینه «۱» ناصحیح است. از سوی دیگر رضای باطنی حاکی از قبولی و یا ایجاب نبوده و باید به نحوی قصد ابراز گردد و لذا گزینه «۳» نیز نادرست است. اما لزومی ندارد که قبولی به همان شکلی که ایجاب صورت گرفته شکل بگیرد. طرفین عقد اصولاً در انتخاب مبرزها (وسایل ابراز اراده باطنی) آزاد هستند و می توانند لفظ، نوشته، اشاره یا عمل را برگزینند مگر در نکاح (مواد ۱۰۶۲ و ۱۰۶۶ ق.م. و طلاق(ماده ۱۱۳۴ ق.م). به همین دلیل گزینه «۴» نادرست می باشد. برای توجیه پاسخ فوق به ماده ۱۹۱ ق.م، حواشی ۱ و ۲ ماده ۱۹۲ ق.م و ماده ۱۹۳ ق.م و حاشیه ۸ ماده ۱۹۴ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان مراجعه نمایید.
- ۴۲- **گزینه ۲ صحیح است.** با استناد به ماده ۲۱۷ ق.م. این ماده مقرر می دارد: «درمعامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد و الا معامله باطل است». مرحوم دکتر کاتوزیان می فرماید: «انگیزه نامشروع در صورتی عقد را باطل می کند که یا مشترک بین دو طرف باشد یا هر دو آگاه از آن باشند». اما بنابر نظر صحیح تر از دکتر سیدحسین صفایی در کتاب دوره مقدماتی حقوق مدنی(ج۲) «قواعد عمومی قراردادهای» می توان گزینه «۲» را صحیح دانست. این استاد بزرگوار می فرماید: «ممکن است سوال کنند: چرا برای بطلان معامله به علت داشتن جهت نامشروع، تصریح به آن در قرارداد یا توافق ضمنی طرفین بر آن به نحوی که به منزله تصریح باشد لازم است؟ در پاسخ به این سوال می توان گفت که قانونگذار اصولاً کاری به اغراض و دواعی و انگیزه های متعاملین که شخصی و مربوط به نفعانیات آن هاست ندارد. استواری معاملات اقتضا می کند که به این گونه انگیزه ها ترتیب اثر داده نشود، مگر اینکه وارد قلمرو توافق و تراضی طرفین شده باشد. تا وقتی که جهت معامله صرفاً جنبه شخصی دارد و در قرارداد ذکر یا بر آن توافق ضمنی نشده است، نباید نامشروع بودن آن را سبب بطلان معامله دانست؛ چه ممکن است طرف دیگر اصلاً از آن اطلاع نداشته باشد و حکم به بطلان معامله موجب زیان وی گردد. اما همین که جهت نامشروع در قرارداد تصریح یا حتی بدون تصریح مورد توافق ضمنی طرفین واقع شد، دیگر جنبه شخصی و خصوصی خود را از دست می دهد و از عناصر قرارداد تلقی می شود. در اینجا نیز غیر قانونی به معنی وسیع کلمه و به دیگر سخن، مخالف قواعد آمره حقوقی و شرعی است. در هر مورد که جهت معامله برخلاف قواعد آمره و نظم عمومی باشد، نامشروع تلقی می شود، هرچند که نص خاص قانونی در آن مورد وجود نداشته باشد، مانند اجازه یا خرید وسیله نقلیه به منظور عبور غیر قانونی از مرز یا خرید انگور برای تهیه نوشابه الکلی و خرید لوازم و مواد اولیه برای ساخت اسلحه غیر مجاز».
- ۴۳- **گزینه ۱ صحیح است.** در مورد زمان تشکیل عقد مکاتبه ای نظرات و بحث های زیاد شده است، نظر استاد کاتوزیان که ذیل ماده ۱۹۴ در کتاب نظم کنونی نیز آمده است مبتنی بر تشکیل عقد در زمان «اعلام قطعی قبول» است، گذشته از این طبق ماده ۶۵۷ قانون مدنی وکالت با قبول وکیل محقق می شود و اطلاع موکل از قبول لازم نیست، بنابراین در فرض سوال صرف اعلام اراده انشایی وکیل که حتی می تواند به صورت انجام مورد وکالت باشد برای تحقق وکالت کافی است.
- گزینه «۲» صحیح نیست چون ارسال رایانامه برای اعلام قبولی موضوعیت ندارد. گزینه «۳» صحیح نیست چون وکالت با قبول وکیل محقق می شود و نیاز به اطلاع موکل از قبول وکالت نیست. گزینه «۴» صحیح نیست، چون رضایت درونی وکیل برای تحقق وکالت کافی نیست و باید اراده انشایی وکیل مبتنی بر رضایت او اعلام شود.
- ۴۴- **گزینه ۱ صحیح است.** ر.ک به ماده ۲۱۶ ق.م و حواشی آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان. شرط معلوم بودن مورد معامله به علم تفصیلی در عقود مغایه ای(برخی عقود معوض) و به علم اجمالی در عقود مسامحه ای(برخی عقود معوض و تمام عقود رایگان) مطرح شده و شرط معین بودن مورد معامله اصولاً در عقود مغایه ای و مسامحه ای به جز عقد جعالة(ماده ۵۶۴ ق.م) مطرح می شود. منظور از عقود مغایه ای، عقود مبتنی بر سود و زیان بوده و مراد از عقود مسامحه ای عقود مبتنی بر گذشت، ارفاق، احسان و اهداف اخلاقی است.
- ۴۵- **گزینه ۳ صحیح است.** ر.ک به ماده ۱۲۱۴ ق.م. اگر سهیلا سفیه شده باشد اقاله آنان باطل است چون این اقاله برای سهیلا صرفاً مضر است و با تنفیذ بعدی سرپرست یا دادستان هم صحیح نمی شود.
- ۴۶- **گزینه ۳ صحیح است. نکته:** آگهی شرکت تولیدی را نمی توان ایجاب تلقی کرد بلکه باید آن را گونه ای پیشنهاد فروش دانست. زیرا مفاد آگهی مزبور صرفاً ابراز میل شرکت به فروش فرآورده خویش است و دلیلی بر اراده انشای عقد در آگهی وجود ندارد، بنابراین مفاد نامه بازرگان را می توان نخستین انشاء و ایجاب تلقی کرد. اما چون قبول این ایجاب به وسیله شرکت سه ماه پس از دریافت نامه بازرگان انجام شده توالی بین ایجاب و قبول منتفی بوده عقد مزبور را باید باطل دانست.
- ۴۷- **گزینه ۴ صحیح است.** دکتر قربانی لاچوانی معتقدند: «قبول» باید با مفاد «ایجاب» مطابقت داشته باشد؛ در غیر این صورت به منزله ی رد ایجاب و انشای «ایجاب متقابل» است، البته درجه ی مطابقت لازم بین قبول و ایجاب در همه ی عقود یکسان نیست. در «عقود

رایگان»، مخاطب ایجاب می تواند ایجاب را تجزیه و آن را نسبت به بخشی از مال موضوع ایجاب قبول کند؛ به عنوان مثال در وصیت تملیکی، اختیار موصی له که مخاطب ایجاب است برای تجزیه وصیت و قبول آن بابت بخشی از موصی به پذیرفته شده است یا در وقف، موقوف علیه می تواند وقف را نسبت به بخشی از مال قبول کند؛ مثلاً اگر دو قطعه زمین مجزا با مساحت معلوم وقف شده است، موقوف علیه می تواند وقف یکی از آن ها را قبول کند، ولی در «عقود معوض»، مخاطب ایجاب نمی تواند آن را تجزیه کند؛ به عنوان مثال اگر موجب، ایجاب فروش ده تن گندم با قیمت هر تن پانصد هزار تومان اعلام کرده باشد، مخاطب نمی تواند خرید پنج تن با همان قیمت را قبول کند، اگر به این ترتیب اراده ی خود برای قبول را اعلام کند، این اعلام اراده به معنای انشای ایجاب متقابل و رد ایجاب قبلی است. در «تنفیذ عقد غیرنافذ»، مطابقت کامل بین تنفیذ و عقد انشا شده، لازم نیست و تنفیذ کننده می تواند تا جایی که موجب ورود ضرر به اصل نمی شود در زمان تنفیذ، عقد را تجزیه کند؛ مثلاً اگر یک دستگاه خودرو و یک قطعه زمین که هر دو متعلق به یک مالک هستند با قیمت هایی مجزا و معلوم ضمن یک عقد به صورت فصولی به اصل فروخته شده باشند، مالک می تواند در زمان تنفیذ، فروش اتومبیل را تنفیذ و فروش زمین را رد کند. جواز «تبعیض در معامله به هنگام تنفیذ عقد غیرنافذ» از ماده ۲۵۶ قانون مدنی استنباط شده است. در صورتی که مورد معامله فصولی یک مال باشد مالک نمی تواند در موقع تنفیذ، انتقال مالکیت نیمی از آن را به صورت مشاع در برابر همان بهایی که در معامله ی فصولی تعیین شده است، یا به نصف قیمت تعیین شده، تنفیذ کند. «قبول» در صورتی اعتبار دارد و سبب تشکیل عقد می شود که مسبوق به رد ایجاب نباشد، یا رد ایجاب از جانب مخاطب ایجاب، قبول اعتبار خود را دست می دهد و بعد از آن، ایجابی وجود ندارد که مورد قبول واقع گردد. «اجازه ی عقد غیرنافذ» هم مانند قبول ایجاب نباید مسبوق به رد باشد، رد عقد غیرنافذ سبب بطلان آن می شود و عقد باطل، قابل تنفیذ نیست. قبول باید قبل از پایان مدت اعتبار ایجاب اعلام گردد والا اثر ندارد، مدت اعتبار ایجاب ممکن است توسط موجب یا به حکم عرف تعیین شود. در رد یا اجازه معامله غیرنافذ فوریت شرط نیست. طبق ماده ۲۵۲ قانون مدنی اگر تأخیر در اعلام رد یا اجازه سبب ورود ضرر به اصل گردد، او می تواند معامله غیرنافذ را بهم بزند. اجازه عقد غیرنافذ و قبول ایجاب هر دو ممکن است به طور صریح یا ضمنی اعلام شوند. طبق ماده ی ۲۴۸ قانون مدنی: «اجازه مالک نسبت به معامله فصولی حاصل می شود به لفظ یا فعلی که دلالت بر امضاء عقد نماید.»

۴۸- **گزینه ۳ صحیح است.** ر.ک به حواشی ماده ۱۹۲ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان و نیز ر.ک به حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج۱، شماره ۱۳۷، نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان و قواعد عمومی قراردادها، صص ۶۴ تا ۶۶، نوشته دکتر سیدحسین صفایی. توضیح اینکه اصولاً وسایل ابراز اراده در انعقاد اعمال حقوقی در عرض هم و اختیاری هستند مگر نکاح (مواد ۱۰۶۲ و ۱۰۶۶ ق.م) و طلاق (مواد ۱۱۳۴ ق.م و ۳۷ قانون حمایت خانواده).
۴۹- **گزینه ۴ صحیح است.** دلیل عدم تطابق ایجاب و قبول. (ماده ۱۹۴ ق.م)

۵۰- **گزینه ۱ صحیح است.** ر.ک به ماده ۱۹۱ ق.م و حاشیه ۵ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان. توضیح اینکه به محض ارسال جواب ایجاب از سوی رضا عقد واقع شده است هرچند فرایند ارسال کامل نشده یا پیام هنوز وارد صندوق دریافت حسین نشده باشد؛ چرا که بر اساس ماده ۱۹۱ ق.م به شرط مقرون بودن قصد انشاء با چیزی که دلالت بر قصد کند عقد محقق می شود و همین بیانگر نظریه صدور و ابراز قبولی در عقود مکاتبه ای است خواه این مکاتبه به صورت نوشتاری بر صفحه کاغذ باشد یا در صفحه مانیتور و الکترونیکی. اینکه برخی مواد ۲۶ و ۲۷ قانون تجارت الکترونیکی را در این زمینه معیار قرار داده اند محل نقد است زیرا این دو ماده سخن از لحظه قبول عقد الکترونیکی نداشته و فقط در مورد زمان ارسال و دریافت داده پیام است حال آنکه بحث ما در زمان تحقق عقد بوده که بنابر قواعد عام به محض ابراز اراده باطنی و بروز قصد انشاء، عقد محقق می شود.

۵۱- **گزینه ۳ صحیح است.** در خصوص گزینه ۴۰۲ عمل حقوق نکاح طبق ماده ۱۰۶۲ ق.م و طلاق طبق ماده ۱۱۳۴ ق.م باید با لفظ صریح باشد و ضمناً پذیرفته نمی شود و در خصوص گزینه ۱ عقود تشریفاتی و عقود عینی رهن، وقف، بیع صرف، عقد موجد حق انتفاع و هبه را نمی توان با ایجاب و قبول صورت داد و نیازمند انجام تشریفات و قبض می باشند. در خصوص گزینه ۳ طبق ماده ۲۴۹ ق.م به سکت نظری داده نمی شود مگر در اوضاع و احوال خاص قضیه مانند ماده ۵۰۱ ق.م و گزینه ۴ نیز طبق ۱۹۱ ق.م الزامی نیست. ر.ک به حاشیه ۲ ماده ۱۹۲ و حاشیه ۵ ماده ۱۹۱ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان همچنین ماده ۱۰۶۶ ق.م ملاحظه شود.

۵۲- **گزینه ۱ صحیح است.** به دلیل تخلف از حکم ماده ۲۱۶ ق.م و نقض شرط معین بون مورد معامله درخصوص فروش اموال قیمی و نقض قاعده ممنوعیت غرر در معاملات، هر دو معامله باطل است.

۵۳- **گزینه ۱ صحیح است.**

۵۴- **گزینه ۲ صحیح است.** ر.ک به ماده ۱۸۹ ق.م و حواشی ۱ و ۳ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.

۵۵- **گزینه ۳ صحیح است.** ر.ک به مواد ۱۸۵ (و حاشیه ۲ آن) و ۱۸۶ (و حاشیه آن) و ۹۵۴ ق.م.

۵۶- **گزینه ۱ صحیح است. نکته:** طبق تعریف ماده ۱۸۸ ق.م عقد خیاری عقدی است که برای طرفین یا ثالثی حق فسخ باشد هرچند در عرف حقوقی منظور از این حق فسخ، خیار شرط است.

۵۷- **گزینه ۲ صحیح است.** از آنجا که در فرض مساله دینی هنوز برعهده طرفین مستقر نشده لذا ایفا ناروا صورت گرفته و طبق مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ ق.م قابل استرداد است. ر.ک به شماره ۲۴ کتاب اعمال حقوقی «قرارداد- ایقاع» نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.

۵۸- **گزینه ۱ صحیح است.** زیرا بر اساس ماده ۱۹۱ ق.م، اراده باطنی به تنهایی برای تحقق عقد کافی نیست و نیاز به اراده ظاهری و میرز دارد. از این رو زمان تحقق عقد زمانی است که قبول ابراز و اعلام شود و با ابراز قبول، جز اخیر عقد تحقق یافته و عقد منعقد می شود.

۵۹- **گزینه ۴ صحیح است.** اختلاف طرفین معامله در فرض مورد سوال به یکی از اوصاف مورد معامله مربوط است و اشتباه در وصف هندی یا ایرانی بودن برنج موضوع عقد بیع، خللی به اعتبار عقد وارد نمی کند بنابراین عقد صحیح است منتها خریدار (سمیرا) نمی تواند

